

و ابوالحسن که سبب در تاریخ جامع آورده که از تاریخ طوفان که سبب
 تواریخ را بدان نسبت میکنند تا پنجشنبه غره محرم سال هجرت سمرقند
 هفتصد و بیست و پنج سال سیصد و هفتاد و هشت روز و زبده و اندک و در
 شرحی که فصل مولا نظام الدین که بعبادت در قمر کرده و کالی را
 قمر ساخته تا به ظهور و چون بنام تاریخ ایشان برسان قمر است
 و آن زمانه منارقت قمر است و وضعی که منور و صفت بافتاب تا عایشه که
 که در جهان وضع و قمر در هر وضع حکایت و اختیار شکل اول
 از میان این اشکال از برای است که او سبب سایر اشکال است
 پس اوایل ظهور بحسب رویت هلال است و چون ازین رویت
 مختلف میشود با حکایت مسرات قمر و اختلافی که در میان اینهاست
 عدد ایام ماه عربی که هجرت باشد و کالی نسبت و این خاصه
 چون دیده اند اختلاف ایام را در رویت اختلاف رویت کرده
 بلکه گفته اند که ما را از اجتماع شمسی و قمر در یکدیگر از نظر لایحه
 تا اجتماع و یکدیگر در زمانه ما بین اجتماعین بدانچه در صورت آن
 است نه روز و از ده ساعت جهل چهار دقیقه است پس ایام
 اول را پس روزگرنه بدان اصطلاح که هرگاه که کسر از نصف
 زیاده شش و اربعی هجرت عدد میدارند و ایام ماه رومی است نه
 روز گرفته تا کسر و جبر نقصان ماه اول باشد و همچنین عمل کرده
 ماهها باقی تا کشت ایام شش ماه که آن طاق است تا سه و ایام
 شش ماه که جفت است نسبت است نه و چون در هر دو ماه

یک روز

یکروز هشتاد و هشت دقیقه زیاده بود رسالی باشد نسبت است
 دقیقه شش که نسبت ساعت جهل هشت دقیقه باشد و این مجموع
 خمس و شصت و سه روز است پس در هر یک سال که اقل خروج
 خمس و شصت است جمع شود شصت و شش روز است و پس
 سده که بخیر و زیادت و مجموع یازده روز باشد پس از چهار
 زیاده میکنند هر سه سال یازده بار در آخر هر یک یک روز
 آنرا کسب میخواهند و آن سال درین سه سال دوم و پنجم
 و هفتم و دهم و سیزدهم و شانزدهم و بیست و یکم و بیست و یکم
 چهارم و بیست و ششم و بیست و نهم است چنانکه گفته اند از الجوع
 او قسط کسب العرب و برین تقدیر رسالی که بیست و سه
 بسیار که در القعد و ذی الحجه و محرم است که باشد و سال
 قمر سیصد و پنجاه چهار است ساعت جهل هشت دقیقه است
 کسب محبت را اختیار در سده **مقدار شب روز** و روز بود
 کشت ناقص بر این را شده و زیاده همانرا مشرف تفاوت میل
 نماز زیاده و نقصان طوله دارد و اجمالا تقریر کرده شود و درنگ
 سیصد و شصت در هر فلک بدایه اول سکوت و دایره نصف
 النهار چهار قسم است که متن و همانند در هر قسم ازین
 اربعه نوزده و هشتاد و شش که آنرا پنج باشد از اربع سیصد
 و در هر چهار نقطه از تغییر طبع این دو دایره عاقله القطب
 با قطب اربعه حاصل شود که یک نقطه اعتدال برپیش باشد